

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی
رساله دکترا رشته علوم سیاسی گرایش اندیشه‌های سیاسی
رهیافتی به نظریه قرآنی آزادی
(با تأکید بر آراء علامه طباطبایی)

نگارش
اسحاق سلطانی

استاد رهنما
جناب آقای دکتر منصور میراحمدی
اساتید مشاور
جناب آقای دکتر رضا خراسانی
جناب آقای دکتر محمدصادق نصرت‌پناه

بهمن ۱۳۹۹



تعهدنامه اصالت علمی پایان‌نامه/رساله

این‌جانب **اسحاق سلطانی** با التزام به رعایت کامل اصل امانت‌داری و رعایت احترام و حفظ حقوق مادی و معنوی دیگر پژوهشگران و بدیداورندگان اعلام می‌دارم این پایان‌نامه/رساله، به عنوان اثری اصیل ناشی از فعالیت پژوهشی شخصی و مستقل این‌جانب تحت راهنمایی و نظارت و مشاور علمی استاد/اساتید راهنما و مشاور بوده و تصدیق و تأیید می‌شود که منبع مستقیم یا غیرمستقیم هر متن، تعبیر، تفسیر، تحلیل، تعریف، نقد، شکل، جدول، داده، تصویر، نمودار و به طور کلی هر مطلب، ایده یا الگوی علمی برگرفته شده از آثار، اختراعات و اطلاعات و ایده‌های علمی قابل حمایت دیگر پژوهشگران و بدیداورندگان و مخترعان خواه به صورت نقل مستقیم یا غیر مستقیم یا ترجمه کامل یا مفهومی در این اثر درج یا مورد استفاده قرار گرفته، طبق قواعد و آیین‌نامه‌های پژوهشی از جمله مفاد دستورالعمل نحوه بررسی تخریفات پژوهشی مصوب وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، به نحو دقیق و کامل، ذکر شده است. از این‌رو، اذعان می‌گردد که مسئولیت همه مطالب درج شده در این اثر به اشکال مختلف مذکور در بالا را بر عهده داشته و در صورت اثبات عدم امانت‌داری یا نقض حقوق معنوی دیگران بر اساس قوانین مربوطه (قانون حمایت از مولفان، مصنفان و هنرمندان مصوب سال 1348، قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب سال 1352 و قانون حمایت از بدیداورندگان نرم افزارهای رایانه‌ای مصوب سال 1379 و آیین‌نامه‌های مربوطه و اصلاحات بعدی)، علاوه بر تحمل عواقب قانونی، در صورت سلب اعتبار علمی از این اثر هر حق یا امتیاز یا اولویت مادی یا معنوی که در فرایند تولید یا پس از آن در دانشگاه (از جمله نمرات آموزشی، دانش‌نامه‌های علمی، مدارج دانشگاهی، جوایز و منابع مالی یا امکانات پژوهشی) کسب کرده باشم، بنا به مورد لغو، ابطال، مسترد و یا جبران خواهد شد.

نام و نام‌خانوادگی دانشجو: **اسحاق سلطانی**

عنوان پایان‌نامه/رساله: **رهافتی به نظر بیدارگری آزاری (با تاکید بر راه‌های طباطبایی)**

رشته و مقطع تحصیلی: **رشته علوم سیاسی، گرایش اندیشه‌های سیاسی، مقطع دکتری**

استادان راهنما و مشاور: **استاد راهنما: دکتر منصور میراحمدی / استاد مشاور: دکتر محمدصادق نصرت‌پناه**

دکتر رضا فراسانی

امضاء و تاریخ:

۱۳۹۷/۳/۷

چکیده

پژوهش پیش رو بر محور این سؤال اساسی شکل گرفت که «با تکیه بر آموزه‌های قرآن کریم چه نظریه‌ای در باب آزادی می‌توان سامان داد؟». در واقع پژوهش حاضر با مبنا قرار دادن دیدگاه‌های علامه طباطبایی در حوزه ادراکات اعتباری تعبیری مشخص از نظریه در سطح فلسفه سیاسی ارائه داده و با پیگیری آن به رهیافتی مشخص در قبال نظریه قرآنی آزادی دست یافت. بر این اساس نظریه آزادی متشکل از مجموعه اعتبارهای حد وسط کلی و ثابت است که در قالب مؤلفه‌های اساسی تشکیل دهنده نظریه آزادی و با تکیه بر حقیقتی که از هستی انسانی انتزاع شده و از سنخ معقولات ثانی فلسفی است، شکل می‌گیرد. در این راستا پس از بررسی انسان‌شناسی قرآنی، حقیقت آزادی به مثابه یک معقول ثانی فلسفی از هستی انسانی انتزاع گشته و در جایگاه پشتیبانی از اعتبارهای تشکیل دهنده نظری قرآنی آزادی قرار گرفت. امتداد یافتن این حقیقت در اعتبارهای حد وسط تشکیل دهنده آزادی با تمسک بر این نکته اساسی تحقق می‌یابد که صرفاً خداوند متعال دارای حاکمیت و مالکیت مستقل، اولی و مطلق است و حاکمیت و مالکیت انسانی تبعی و ثانوی است. به همین دلیل بهره‌مندی انسان از حقیقت آزادی منوط به طرد نگاه استقلالی نسبت به خویش و مقابله با هرگونه استکبار ورزی در برابر خداوند متعال است.

مبنتی بر روش «تفسیر موضوعی قرآن به قرآن» و با تکیه بر موارث بشری موجود در باب آزادی، سؤالات اساسی این حوزه به قرآن کریم عرضه شده و پژوهشگر به استنطاق از قرآن کریم پرداخت. بر این اساس اعتبارهای ایجابی شکل دهنده نظریه قرآنی آزادی، در قالب پنج مؤلفه اساسی طرح شدند که عبارت‌اند از: «مبنای آزادی»، «مدار آزادی»، «کارگزار آزادی»، «مانع آزادی» و «غایت آزادی». در این میان آنچه موجب ارتباط یافتن مؤلفه‌های آزادی با یکدیگر می‌شود، مؤلفه مدار آزادی است.

آنچه در نظریه قرآنی آزادی در جایگاه مدار آزادی قرار گرفته و حقیقت آزادی را، با رعایت شروط لازم جهت امتداد یافتن آن، از مبنای آزادی اخذ کرده و در سایر مؤلفه‌ها و همچنین در تمامی اعتبارهای حد وسط تشکیل دهنده نظریه قرآنی آزادی حلول می‌دهد، «حق» است. به همین دلیل از آنچه در این پژوهش به عنوان رهیافتی در قبال نظریه قرآنی آزادی طرح شد، می‌توان به «نظریه آزادی حق مدار» تعبیر کرد.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، علامه طباطبایی، آزادی حق مدار، اعتباریات، انسان‌شناسی، آزادی

فهرست نوشتار

۱ فصل اول: طرح تحقیق	۱
۱-۱ بیان مسئله	۱
۱-۲ سابقه پژوهش	۷
۱-۳ سؤالات پژوهش	۱۲
۱-۳-۱ سؤال اصلی	۱۲
۱-۳-۲ سؤالات فرعی	۱۲
۱-۴ فرضیه پژوهش	۱۳
۱-۵ هدف پژوهش	۱۳
۱-۶ روش پژوهش	۱۴
۱-۷ سامان پژوهش	۲۰
۲ فصل دوم: مبانی نظری و مفهومی	۲۳
۲-۱ نظریه	۲۴
۲-۱-۱ روایت نظریه	۲۶
۲-۱-۲ تقسیمات نظریه	۳۵
۲-۱-۲-۱ تقسیم پارادایمی	۳۵
۲-۱-۲-۱-۱ پارادایم اثبات‌گرا	۳۵
۲-۱-۲-۱-۲ پارادایم تفسیری	۳۶

- ۳۸ پارادایم انتقادی ۳-۱-۲-۱-۲
- ۳۹ تقسیم مبتنی بر سطح تحلیل ۲-۲-۱-۲
- ۴۰ نظریه سیاسی ۲-۲
- ۴۱ رویکردهایی به نظریه سیاسی ۱-۲-۲
- ۴۲ رویکرد تجربی در نظریه سیاسی ۱-۱-۲-۲
- ۴۳ رویکرد فلسفی در نظریه سیاسی ۲-۱-۲-۲
- ۴۳ نظریه سیاسی به مثابه انتخابی اخلاقی ۱-۲-۱-۲-۲
- ۴۶ نظریه سیاسی به مثابه کنشی اقتضایی ۲-۲-۱-۲-۲
- ۴۷ نظریه و فلسفه سیاسی اسلامی ۲-۳
- ۵۲ چیستی فلسفه سیاسی اسلامی ۱-۳-۲
- ۵۵ چیستی نظریه در فلسفه سیاسی اسلامی ۲-۳-۲
- ۵۶ مؤلفه‌های نظریه ۱-۲-۳-۲
- ۵۶ اعتباری بودن ۱-۱-۲-۳-۲
- ۶۰ ثبات ۲-۱-۲-۳-۲
- ۶۳ کلیت ۳-۱-۲-۳-۲
- ۶۵ مؤلفه محوری ۴-۱-۲-۳-۲
- ۶۶ ملاک‌های سنجش نظریه ۲-۲-۳-۲
- ۶۶ ملاکات بیرونی (پسینی) ۱-۲-۲-۳-۲
- ۶۷ ملاکات درونی (پیشینی) ۲-۲-۲-۳-۲

- ۶۹ ۲-۴. جمع‌بندی
- ۷۲ ۳. فصل سوم: مبانی انسان‌شناسانه اعتبار آزادی
- ۷۴ 3-1. روح
- ۷۶ 3-1-1. حقیقت روح
- ۷۸ ۲-۱-۳. نسبت روح و بدن
- ۸۰ 3-2. عالم ذر
- ۸۱ ۱-۲-۳. مقتضای میثاق
- ۸۲ ۲-۲-۳. محتوای میثاق
- ۸۳ ۳-۲-۳. ضرورت میثاق
- ۸۴ ۳-۳. خلافت الهی انسان
- ۸۵ ۱-۳-۳. ماهیت خلافت
- ۸۸ ۲-۳-۳. ملائکه و امر خلافت
- ۹۱ ۳-۴. هبوط
- ۹۲ ۱-۴-۳. بهشت برزخی
- ۹۵ ۲-۴-۳. شیطان، زمینه‌ساز هبوط
- ۹۹ ۳-۵. هدایت الهی
- ۱۰۰ ۱-۵-۳. هدایت فطری
- ۱۰۴ ۲-۵-۳. هدایت تشریحی
- ۱۰۸ ۳-۵-۳. شیطان، اخلاص‌گر مسیر هدایت

۱۱۲	۳-۶. انسان و آزادی
۱۲۲	۳-۷. نتیجه‌گیری
۱۲۵	۴. فصل چهارم: اعتبارهای رایج آزادی
۱۳۰	۴-۱. مفهوم منفی آزادی
۱۳۱	۴-۱-۱. مبنای آزادی
۱۳۴	۴-۱-۲. تعریف آزادی
۱۳۸	۴-۱-۳. موانع آزادی
۱۳۸	۴-۱-۳-۱. موانع مشروع
۱۴۱	۴-۱-۳-۲. موانع غیر مشروع
۱۴۶	۴-۱-۴. ضرورت و غایت آزادی
۱۴۷	۴-۱-۵. نقد مفهوم منفی آزادی
۱۵۲	۴-۲. مفهوم مثبت آزادی
۱۵۴	۴-۲-۱. مبنای آزادی
۱۵۷	۴-۲-۲. تعریف آزادی
۱۶۰	۴-۲-۳. کارگزار آزادی
۱۶۰	۴-۲-۳-۱. قانون
۱۶۲	۴-۲-۳-۲. حکومت
۱۶۳	۴-۲-۴. موانع آزادی
۱۶۵	۴-۲-۵. ضرورت و غایت آزادی

- ۶-۲-۴. موضع مفهوم منفی آزادی در قبال مفهوم مثبت آزادی..... ۱۶۶
- ۷-۲-۴. نقد مفهوم مثبت آزادی..... ۱۶۸
- ۴-۳. مفهوم جمهوری خواهانه آزادی..... ۱۷۳
- ۱-۳-۴. مبنای آزادی..... ۱۷۴
- ۲-۳-۴. معنای آزادی..... ۱۷۶
- ۳-۳-۴. کارگزاران آزادی..... ۱۷۸
- ۱-۳-۳-۴. قانون..... ۱۷۸
- ۲-۳-۳-۴. حکومت..... ۱۷۹
- ۴-۳-۴. مانع آزادی..... ۱۸۰
- ۵-۳-۴. غایت آزادی..... ۱۸۰
- ۶-۳-۴. نسبت آزادی جمهوری خواهانه با سایر مفاهیم آزادی..... ۱۸۰
- ۷-۳-۴. نقد مفهوم جمهوری خواهانه آزادی..... ۱۸۲
- ۴-۴. جمع بندی..... ۱۸۵
۵. فصل پنجم: اعتبارهای ایجابی آزادی..... ۱۸۹
- ۵-۱. مبنای آزادی..... ۱۹۳
- ۵-۲. مدار آزادی..... ۲۰۰
- ۵-۲-۱. معنای حق..... ۲۰۵
- ۵-۲-۲. منشأ حق..... ۲۰۶
- ۵-۲-۳. ویژگی های حق..... ۲۱۰

- ۲۱۰ معیار سنجش ۵-۲-۳-۱
- ۲۱۲ فطری بودن ۵-۲-۳-۲
- ۲۱۳ پایداری حق و نابودشدنی بودن باطل ۵-۲-۳-۳
- ۲۱۴ جمع‌بندی مؤلفه مدار آزادی ۵-۲-۴
- ۲۱۶ کارگزاران آزادی ۵-۳
- ۲۱۹ دین ۵-۳-۱
- ۲۲۰ کتب آسمانی ۵-۳-۱-۱
- ۲۲۱ قرآن کریم ۵-۳-۱-۲
- ۲۲۲ اسلام، دین حق ۵-۳-۱-۳
- ۲۲۵ انبیاء الهی ۵-۳-۲
- ۲۲۵ ویژگی‌های انبیاء الهی ۵-۳-۲-۱
- ۲۲۹ غایت انبیاء الهی ۲-۲-۳-۵
- ۲۳۲ جامعه دینی ۳-۳-۵
- ۲۳۴ جمع‌بندی مؤلفه کارگزار ۴-۳-۵
- ۲۳۸ موانع آزادی ۵-۴
- ۲۴۱ طاغوت ۵-۴-۱
- ۲۴۲ ویژگی‌ها ۵-۴-۱-۱
- ۲۴۴ روش‌های استمرار استبداد ۵-۴-۱-۲
- ۲۴۶ مشرکین ۵-۴-۲

- ۲۴۸ ویژگی‌ها. ۵-۴-۲-۱
- ۲۵۰ دستاویزهای مخالفت. ۵-۴-۲-۲
- ۲۵۱ تمسک به سنن پیشینیان. ۵-۴-۲-۲-۱
- ۲۵۳ جنگ قدرت. ۵-۴-۲-۲-۲
- ۲۵۳ القای لزوم بهره‌مندی مادی نبی. ۵-۴-۲-۲-۳
- ۲۵۴ همراهی نشدن نبی با فرشتگان. ۵-۴-۲-۲-۴
- ۲۵۵ انسان بودن انبیاء. ۵-۴-۲-۲-۵
- ۲۵۶ شیطان. ۵-۴-۳
- ۲۵۷ ویژگی‌ها. ۵-۴-۳-۱
- ۲۵۹ اهداف شیطان. ۵-۴-۳-۲
- ۲۶۱ ابزارهای شیطانی. ۵-۴-۳-۳
- ۲۶۴ جمع‌بندی مؤلفه مانع. ۴-۴-۵
- ۲۶۷ غایت آزادی. ۵-۵
- ۲۶۹ ۱-۵-۵. بردگی و اسارت، حقیقت مقابله با حق
- ۲۷۱ ۲-۵-۵. آزادی، حقیقت تمسک بر حق
- ۲۷۴ ۳-۵-۵. جمع‌بندی مؤلفه غایت
- ۲۷۵ ۵-۶. جمع‌بندی
- ۲۸۰ ۶. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری پژوهش
- ۲۹۳ ۷. منابع پژوهش

۷-۱. منابع فارسی و عربی:..... ۲۹۳

7-2. منابع لاتین:..... ۳۰۲

فهرست تصاویر

تصویر ۱-۱	روند پژوهش	۵
تصویر ۲-۱	روش پژوهش	۲۰
تصویر ۱-۲	اشمای کلی فصل دوم	۲۴
تصویر ۲-۲	طبقه‌بندی علوم از نگاه فارابی	۴۹
تصویر ۳-۲	مؤلفه‌های نظریه در فلسفه سیاسی	۵۶
تصویر ۴۲-۴	روند دستیابی به اعتبارات	۷۱
تصویر ۱-۳	اشمای کلی فصل سوم	۷۴
تصویر ۲-۳	موجبات خلافت الهی انسان	۹۱
تصویر ۳-۳	ویژگی‌های حقیقت انسانی	۱۱۲
تصویر ۴-۳	حقیقت آزادی	۱۲۱
تصویر ۵-۳	واسطه حقیقت و اعتبارات	۱۲۴
تصویر ۱-۴	اشمای کلی فصل چهارم	۱۲۸
تصویر ۲-۴	اعتبارات سلبی آزادی منفی	۱۵۲
تصویر ۳-۴	اعتبارات سلبی آزادی مثبت	۱۷۳
تصویر ۴-۴	اعتبارات سلبی آزادی جمهوری خواهانه	۱۸۵
تصویر ۱-۵	مسیر طی شده	۱۹۰
تصویر ۲-۵	مؤلفه‌های نظریه قرآنی آزادی	۱۹۲
تصویر ۳-۵	ویژگی‌های اساسی مؤلفه حق	۲۰۵
تصویر ۴-۵	مدار آزادی	۲۱۶
تصویر ۵-۵	کارگزاران آزادی	۲۳۵

- تصویر ۵-۶: آزادی‌ها در قرآن کریم ۲۴۰
- تصویر ۵-۷: موانع آزادی ۲۶۵
- تصویر ۵-۸: درخت نظریه قرآنی آزادی ۲۷۹
- تصویر ۶-۱: سیمای کلان نظریه قرآنی آزادی ۲۹۰

۱. فصل اول: طرح تحقیق

۱-۱. بیان مسئله

در طول تاریخ اندیشه سیاسی فیلسوفان سیاسی، چه نظام ساز و چه غیر نظام ساز، به دنبال ایجاد بنایی از تفکر بوده‌اند تا در دل آن مسائل جاری جامعه خود را پاسخ داده باشند. در حقیقت آن‌ها همواره با مجموعه‌ای از سؤالات و مسائل عینی در جامعه روبه‌رو بوده‌اند که تلاش برای پاسخ به چنین مسائلی موجب اندیشه‌ورزی در ابواب مختلف فلسفه سیاسی بوده است. با این وجود آن‌ها در این مسیر به دنبال ارائه پاسخ‌های جزئی و تجویزهای منفرد نبوده‌اند؛ بلکه تلاش کردند از مسیر نظریه‌پردازی در ابعاد مختلف، دستگاهی از تفکر را فراهم آورند تا هر مسئله آنگاه که وارد آن می‌شود، پاسخ خود را بیابد. در این میان برخی از فلاسفه، مانند افلاطون، با توجه به گستردگی نظام فلسفی خود و با توجه به مقتضای اندیشه ورزی دوران خود، در ابعاد مختلفی از فلسفه سیاسی ورود می‌کند و برخی از فیلسوفان سیاسی معاصر، مانند برلین و راولز بر حوزه‌ای خاص از مسائل فلسفه سیاسی تمرکز یافته‌اند.

ایران اسلامی معاصر نیز با سؤالات جزئی گسترده‌ای در حوزه‌های مختلف حیات سیاسی و اجتماعی روبه‌رو است. یکی از این حوزه‌ها، مسائل و پرسش‌های آزادی است. پرسش‌هایی از این دست که چرا نمی‌توان آزادی عمل داشت؟ چرا اعضای جامعه در صورتی که افکاری مخالف مبانی اسلامی و توحیدی داشته باشند نمی‌توانند آزادانه افکار خود را تبلیغ کنند و حکومت حق این را دارد تا با آن‌ها برخورد کند؟ آیا حکومت این حق را دارد که مردم را ملزم به عمل مطابق شریعت کند؟ چرا بانوان الزاماً باید حدودی را برای پوشش خود رعایت کنند و در نتیجه نمی‌توانند مطابق خواست قلبی خود عمل کنند؟ چرا افرادی، چه به‌عنوان اعضای جامعه و چه به‌عنوان کارگزار حکومت، به خود اجازه می‌دهند تا در مورد نحوه پوشش، سایرین را مورد امر و نهی قرار دهند؟ چرا نهادهای حکومتی به خود اجازه می‌دهند دسترسی اعضای جامعه را به برخی از پلتفرم‌های فضای مجازی محدود کنند؟ چرا دسترسی به برخی از شبکه‌ها و پایگاه‌های خبری و اطلاعاتی توسط نهادهای حکومتی مسدود می‌شود؟ و سؤالات متعدد دیگری که در حوزه مسائل آزادی طرح می‌شود و فیلسوف سیاسی ایرانی آن‌ها را در برابر خود می‌یابد.

مسئله‌اندیشمندان ایرانی نیز تلاش کرده‌اند مبتنی بر ایدئولوژی‌هایی که پذیرفته‌اند مبنایی را جهت مواجهه با چنین مسائلی طرح کرده و موضع مشخصی را اتخاذ کنند. با این وجود اندیشمندان مسلمان نیز گاه با تکیه بر فلسفه اسلامی و گاه با تکیه بر فقه اسلامی در تلاش بوده‌اند تا موضع اسلام را در قبال چنین مسائلی معین کنند؛ مواضعی که هر یک دارای نقاط ضعف و قوت خاص خود بوده و در جای خود قابل نقد و بررسی هستند.

البته باید متذکر شد سؤالاتی که پیش تر طرح شدند، مسائلی نیست که به صورت مشخص رساله پیش رو قصد پاسخگویی به آن‌ها را داشته باشد. در واقع نکته اساسی این است که غایت مباحث فلسفه سیاسی حرکت به سمت مقتضایی است که امکان پاسخگویی به چنین مسائلی بیشتر و بیشتر فراهم شود. پس در این پژوهش قصد داریم به مباحثی بپردازیم که ما را به نحوی اصولی برای پاسخ‌گویی به این مسائل آماده می‌کند؛ مسائلی که با وجود افتراقات گسترده میان آن‌ها در یک نکته مشترک هستند؛ کاهش حیطه عمل آزاد شهروندان. آزادی‌ای که باری توسط دولت و باری توسط سایر شهروندان و اجتماع محدود می‌شود. در حقیقت مسئله آزادی آنگاه طرح می‌شود که حیطه عمل فردی توسط دولت و یا سایر شهروندان تقلیل یابد. در نگاه اول شاید پاسخ داده شود که اسلام در تجربه حکومتی جمهوری اسلامی ایران به این مسائل از منظری فقهی پاسخ داده و این پاسخ‌ها مبنای عمل قرار گرفته است و لذا اساساً طرح این سؤال منتفی است. در پاسخ باید گفت آری پاسخ داده شده است، ولی به نظر می‌رسد بر این سنخ از پاسخ‌های جزئی و تجویزهای منفرد ایراداتی وارد است. ایراداتی از این قبیل که چنین مواضعی همواره نظام اسلامی را در حالتی پسینی و انفعالی قرار می‌دهد. چراکه طرحی کلی برای درک آزادی وجود ندارد و صرفاً بنا به مورد پیشامد کرده سعی می‌شود بر اساس متون روایی و قواعد فقهی به آن‌ها پاسخ داده شود. نظام اسلامی با تکیه ابتدایی به چنین اجتهادهای فقهی منفردی هرگز نمی‌تواند فضای اجتماعی فعالی برای شهروندان خود فراهم کند تا آن‌ها از آزادی‌های خود بهره‌مند شوند.

اینجاست که ایراد دیگری ظاهر می‌شود و آن اینکه پاسخ‌های جزئی و مستقل به سؤالات یک نظام واحد و منسجم را ایجاد نمی‌کنند، الزاماً در رابطه‌ای معنادار قرار نگرفته و چه‌بسا از کنار هم قرار دادن آن‌ها وجود تعارض میان احکام مختلف نیز ادراک شود. پس این سنخ از پاسخ‌گویی، به سبب آنکه برآمده از موضعی منفعلانه است، سبب می‌شود تصویری ضعیف و غیرواقعی از دین اسلام ایجاد شود و دیگر نمی‌توان انتظار داشت عموم مردم همچنان در اعماق وجود خود معتقد به قابلیت دین در پاسخگویی به تمامی نیازهای بشر در تمامی دوران باشند.

به نظر می‌رسد می‌توان نبود نظریه اسلامی در پس اجتهادهای فقهی را یکی از دلایل به وجود آمدن چنین مشکلاتی به حساب آورد. امروزه با گسترده‌گی روزافزون حوزه‌های مختلف حیات سیاسی و اجتماعی و طرح فزاینده سؤالات و مسائل مختلف در هر حوزه از سیاست و اجتماع برای داشتن موضعی فعال، دقیق و راهگشا در قبال مسائل پیشامد کرده، لازم است ابتدا در باب هر حوزه‌ای از مسائل سیاسی و اجتماعی نظریه داشت و در مرحله بعد با مبنا قرار دادن این نظریات به اجتهاد فقهی پرداخت. در واقع یکی از عوامل دستیابی به اجتهاد فقهی پویا می‌تواند ابتدای آن به نظریات اسلامی در سطح مباحث فلسفی و اجتماعی باشد.

از جمله اندیشمندان اسلامی معاصر که مشخصاً به دنبال طرح منطق نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی بوده‌اند می‌توان به علامه طباطبایی و شهید صدر اشاره کرد. علامه طباطبائی برای این مهم، نظریه ادراکات اعتباری خود را طرح می‌کنند. از دیدگاه ایشان می‌توان این‌گونه بهره برد که اگر ما بخواهیم به اعتبارهای شرعی خرد (احکام فقهی) در باب موضوعات حوزه اجتماع و سیاست دست یابیم، در مرحله سابق باید بدانیم که اساساً تمامی این مسائل بر مبنای چه غایت و بر مبنای کدام نیاز شکل گرفته‌اند. علم به این غایت و اعتبار لازم برای پاسخ به آن نیاز، تبدیل می‌شود به شرط لازم جهت پاسخ‌دهی به مسائل خرد و جزئی هر یک از حوزه‌های سیاست و اجتماع. علامه طباطبائی با رویکردی از بالا به پایین مسیری برای نظریه‌پردازی طرح می‌کنند که در آن از اندیشه‌های کلان فلسفی (مبنای هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه) به سمت نظریه‌پردازی در حوزه علوم انسانی حرکت کرده و در نهایت ختم به پاسخ‌گویی در قبال مسائل معین بیرونی می‌شود.

شهید صدر نیز مسیری مختص به خود را طرح می‌کنند که طی آن با تکیه بر استقراء و با بررسی احکام خرد و جزئی موجود در هر حوزه مشخص می‌توان قواعدی کلی را استقراء کرد که با کنار هم قرار دادن چنین گزاره‌هایی می‌توان به دیدگاه‌های کلان اسلامی در حوزه مسائل سیاسی و اجتماعی دست‌یافته و نظریات اسلامی را کشف کرد. البته این رویکرد به نظریه‌پردازی مطمئناً می‌تواند آورده‌های خاص خود را داشته باشد ولی با این وجود تکیه صرف به آن نیز می‌توان محل تأمل باشد. در حال در رساله پیش رو با تکیه بر مباحث علامه طباطبائی در حوزه ادراکات اعتباری تلاش می‌شود به منطق مشخصی جهت دستیابی به نظریه در سطح فلسفه سیاسی پرداخته و با مبنا قرار دادن چنین تعریفی از نظریه گام‌های لازم برای دستیابی به نظریه قرآنی آزادی، در سطح فلسفه سیاسی، پیموده شود.

بر این اساس اگر بنا باشد مقتضایی فراهم آید تا اجتهاد فقهی بتواند به صورتی فعال به مسائل خرد حوزه آزادی - مسائلی از قبیل آنچه ذکر شد - ورود پیدا کند، در مرتبه سابق لازم است نظریه اسلامی آزادی سامان داده شود. برای دستیابی به چنین تعبیری از نظریه در چارچوب ادراکات اعتباری، در گام نخست لازم است مبتنی بر انسان‌شناسی دقیق اسلامی این را محل بحث قرار داد که کدام نیاز حقیقی انسان است که برای پاسخ به آن وجوب آزادی اعتبار می‌شود؟ آن حقیقتی که از وجود انسان انتزاع شده و نقطه آغازی برای طرح اعتبارهای آزادی می‌شود چیست؟ توجه به این نکته بسیار ضروری است که اگر ما چنین حقیقتی را در وجود انسانی نیافته باشیم، آنگاه پاسخ‌های که به مسائل خرد حوزه آزادی خواهیم داد عمدتاً صحیح نخواهند بود. چراکه وقتی نیاز حقیقی درک نشده باشد پاسخ به آن مانند تیراندازی به سمت هدفی است که هرگز دیده نشده است. مانند اینکه فردی حقیقتاً گرسنه است، اما چون درک صحیحی از نیاز حقیقی خود ندارد، اعتبار وجوب مطالعه کند. در این حالت چون درک درستی از حقیقت نیاز صورت نگرفته است

در نتیجه تمامی آن اعتبارهای جانبی نیز به خطا اعتبار شده و به عبارت دقیق‌تر اعتبارهایی لغو و بیهوده خواهند بود.

پس آنچه در وهله نخست می‌بایست دنبال شود این است که حقیقت پشتیبان اعتبارهای آزادی چیست؟ اما برای سامان دادن نظریه‌ای در سطح فلسفه سیاسی این سطح از انتزاع هرچند لازم است ولی کافی نیست؛ یعنی هرچند نظریه آزادی حتماً و الزاماً با تکیه بر حقیقت پشتیبان اعتبارهای آزادی ساخته می‌شود، ولی اکتفا به آن نیز پذیرفته شده نیست. برای این مهم لازم است تا اعتبارات حد وسط، که در واقع واسط میان حقیقت و اعتبارهای خرد و جزئی قرار می‌گیرند، را مورد شناسایی قرار داده و از این مسیر نظریه آزادی را سامان داد. در حقیقت مبتنی بر چارچوب اعتباریات می‌توان معنای خاصی را برای نظریه در سطح فلسفه سیاسی در نظر گرفت، که نظریه قرآنی آزادی نیز یکی از مصادیق آن خواهد بود.^۱

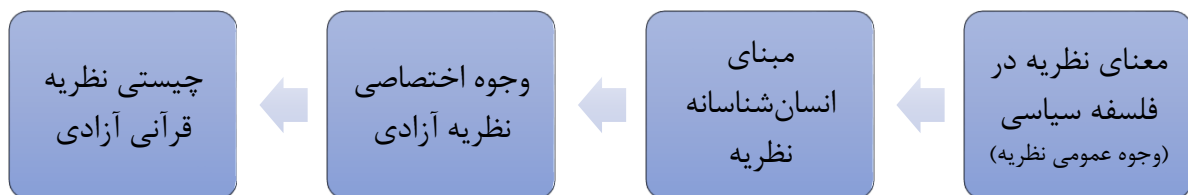
بر اساس آنچه گفته شد برای سامان دادن نظریه قرآنی آزادی می‌بایست در گام نخست تلاش کرد با دقت در انسان‌شناسی قرآنی پی به آن حقیقتی برد که کاملاً برآمده از وجود انسانی بوده و خود تکیه‌گاه تمامی اعتبارهای خرد آزادی است؛ حقیقتی که با امتداد آن در عالم اعتبارات می‌توان اعتبارهای حد وسطی که کاشف از نظریه قرآنی آزادی است را، چه در وجه ایجابی و چه در وجه سلبی، کشف کرده و نظریه قرآنی آزادی را طرح کرد.

همان‌طور که ذکر شد نظریه مجموعه‌ای از اعتبارهای حد وسط است که تعریف و ویژگی‌های آن نیز به تفصیل مورد بحث قرار خواهد گرفت. در فصل سوم حقیقتی که چنین اعتبارهای حد وسطی با تکیه بر آن استوار می‌شود، با مطالعه انسان در قرآن مجید مورد توجه قرار خواهد گرفت. اما برای اینکه نظریه قرآنی آزادی شکل گیرد ضروری است علاوه بر یافتن حقیقت پشتیبان اعتبارهای آزادی، به ابعادی که پرداختن به آن‌ها موجب ورود تخصصی به حیطه نظریه‌پردازی در باب آزادی است نیز اشعار یافت. در این راستا می‌بایست با تسلط بر نظریات جریان اصلی آزادی، موارث بشری را مورد مطالعه قرار داد و با درک سؤالات اصلی این حوزه بر این امر وقوف یافت که یک نظریه برای اینکه مشخصاً به عنوان نظریه آزادی طرح شود، می‌بایست در قبال چه سؤالاتی دارای موضعی مشخص باشد؟

یعنی علاوه بر وجوه عمومی شکل‌گیری یک نظریه در سطح فلسفه سیاسی، لازم است به وجوه اختصاصی نظریه که آن را تبدیل به نظریه‌ای در باب آزادی می‌کند نیز توجه داشت. همچنین باید به این امر نیز پرداخت که آنچه نظریه آزادی را تبدیل به نظریه قرآنی آزادی می‌کند چیست؟ توجه به روش تفسیر

^۱ چپستی نظریه در سطح فلسفه سیاسی و همچنین ارائه تعریفی مشخص از اعتبارات حد وسط، از مباحثی هستند که در فصل دوم به تفصیل به آنها پرداخته خواهد شد.

موضوعی قرآن کریم، به مثابه روش کشف نظریات قرآنی، همان امری است که نظریه آزادی را به قرآن کریم پیوند زده و از نظریه قرآنی آزادی پرده برمی‌دارد. روش تفسیر موضوعی با اهمیت دادن به جایگاه موازین بشری جهت دستیابی به نظریات قرآنی، سؤالات اساسی حوزه آزادی را محور تعامل پژوهشگر و قرآن کریم قرار داده و با بهره‌گیری از نگاه مجموعی به قرآن کریم برای تفسیر هر آیه از سایر آیات قرآن کریم بهره برده و مسیر رسیدن به نظریه قرآنی آزادی را هموار می‌کند. بر این اساس می‌توان گفت جهت دستیابی به نظریه قرآنی آزادی در سطح فلسفه سیاسی می‌بایست چنین روندی طی شود:



تصویر ۱-۱ روند پژوهش

همان‌طور که ذکر شد هدف این پژوهش طرح نظریه‌ای قرآنی در سطح فلسفه سیاسی است. برای آشکار شدن منظور از طرح شدن مباحث در سطح فلسفه سیاسی می‌توان به دو نکته اشاره کرد. نخست اینکه در فصل دوم از این پژوهش با مبنا قرار دادن دیدگاه‌های فیلسوفان سیاسی مسلمان در باب چیستی فلسفه سیاسی و همچنین با تکیه بر نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبائی سعی می‌شود به تعبیری مشخص از نظریه در فلسفه سیاسی دست یافت که تلاش برای تحقق چنین تعبیری تعیین کننده مسیر پژوهش می‌باشد. از طرف دیگر در بحث از آزادی نیز با تمرکز بر آراء فیلسوفان سیاسی آزادی به مباحث و سؤالات اساسی موجود در باب آزادی در میان فلاسفه سیاسی دست یافته و از منظر چنین سؤالاتی به بحث از آزادی پرداخته می‌شود. پس سؤالات و مباحثی که از منظر جامعه‌شناسان و یا هر یک از سایر رهیافت‌های موجود در علوم سیاسی در رابطه با آزادی طرح می‌شود مدنظر نبوده است. لذا پژوهش حاضر به عنوان پژوهشی در باب آزادی کاملاً در سطح فلسفه سیاسی طرح می‌شود.

بر این اساس این پژوهش در باب آزادی‌های سیاسی نیست، بلکه به تأسی از مسیری که فلاسفه سیاسی در طرح نظریات خود در باب آزادی پیموده‌اند، به دنبال طرح دیدگاه‌های کلان قرآنی در باب آزادی است که امتداد آن‌ها در گام‌های بعد می‌تواند موجب طرح نظریه قرآنی آزادی‌های سیاسی نیز شود. لذا در مسیر

پژوهش هر آنچه جهت دستیابی به نظریه قرآنی آزادی در سطح فلسفه سیاسی ضروری درک می‌شود، مورد بررسی قرار گرفته است. به‌عنوان مثال با بررسی نظریات جریان اصلی حوزه آزادی آشکار می‌شود که یکی از مباحث مبنایی جهت بحث از آزادی پرداختن به چیستی خاستگاه دولت است، لذا در خلال مباحث قرآنی سعی شده است به دیدگاه قرآن کریم در قبال خاستگاه دولت نیز پرداخت. البته مسلماً تدقیق کامل و شکل‌گیری نهایی نظریه قرآنی آزادی تنها زمانی ممکن خواهد بود که مفهوم آزادی در ارتباط کامل با مجموعه‌ای از مفاهیم اساسی حوزه فلسفه سیاسی، مانند عدالت، برابری، حاکمیت، قدرت، امنیت و ... شکل گرفته باشد و این فعالیتی است که در امتداد این رساله می‌تواند محل توجه قرار گرفته و پیگیری شود.

در نهایت باید به این نکته اشاره کرد که پژوهش حاضر به دنبال طرح نظریه اسلامی آزادی نیست. چراکه نظریه اسلامی آزادی جامع تمامی رهیافت‌های موجود در قبال آزادی بوده و قابلیت مواجهه با تمامی مسائل حوزه آزادی در سطح مختلف را داراست. برای دستیابی به نظریه اسلامی آزادی می‌بایست از منظری کلان تمامی رهیافت‌های فقهی، فلسفی، تاریخی و جامعه‌شناسانه را به نحو یکپارچه در منظومه‌ای واحد گرد هم آورد. مسلماً دستیابی به نظریه اسلامی آزادی به چنین تعبیری از مقتضای یک رساله دکتری خارج است. در واقع پژوهش حاضر یکی از اجزاء مورد نیاز جهت تحقق نظریه اسلامی آزادی را وجه همت خود قرار داده است. در این راستا پژوهش حاضر با اتخاذ رهیافت فلسفی و به صورت مشخص با تکیه بر مباحث علامه طباطبائی در باب ادراکات اعتباری در پی طراحی رهیافتی به نظریه قرآنی آزادی است. پس مراجعه به قرآن کریم برای دستیابی به پاسخ سؤالات موجود در باب آزادی، آن هم در سطح فلسفه سیاسی، مبتنی بر رهیافتی فلسفی، و نه فقهی یا تاریخی، صورت می‌پذیرد.

همچنین لازم به ذکر است که متناسب با رهیافت اتخاذ شده، غایت پژوهش حاضر تمهید نظری برای مسئله‌ای است که خصلتی انتزاعی دارد. در واقع رساله حاضر در پی حل مسائل عینی و بیرونی مطرح در باب آزادی نیست، بلکه مسائل نظری و کلان حوزه آزادی را مدنظر دارد. چه اینکه اساساً ورود به مسائل عینی موجود در بستر جامعه به معنای خروج از رهیافت فلسفی و فلسفه سیاسی است. پرداختن به چنین مسائلی در حیطه رهیافت فقهی است. نکته حائز اهمیت آنکه رهیافت فقهی در صورتی توان مواجهه فعال با چنین مسائلی را خواهد یافت که در تعامل کامل با رهیافت فلسفی بوده و خود را در امتداد آن، و نه به عنوان جزیره‌ای مستقل، تعریف کند. بر این اساس می‌توان گفت پرداخت به آزادی در قالب رهیافت فلسفی برخی از شروط لازم جهت مواجهه فعال با مسائل عینی آزادی را فراهم می‌آورد که در صورت عدم توجه به آن مواضع اتخاذ شده در قابل مسائل بیرونی از استحکام و پویایی لازم برخوردار نخواهند بود.

در پژوهش حاضر برای دستیابی به رهیافتی فلسفی در قبال آزادی عمدتاً بر مبانی انسان‌شناسانه تأکید می‌شود. علت این امر آن است که فلاسفه سیاسی عمده مباحث خود را در تناسب مبانی انسان‌شناسانه طرح